

به نام خدا

راهبردها و سیاست‌های توسعه پایدار روستایی در جنوب شرق آسیا
(مطالعه موردی در کشورهای هند، چین و مالزی)

مؤلفان:

مهندس علیرضا بیدخوری

(عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی خردگویان مطهر)

دکتر مصطفی طالشی

(عضو هیات علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور)

سرشناسه: طالشی، مصطفی، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: راهبردها و سیاست‌های توسعه پایدار روستایی در جنوب شرق آسیا: (مطالعه موردی در کشورهای هند، چین و مالزی) / مؤلفان: مصطفی طالشی، علیرضا بیدخوری.

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۳۱۶ ص.

شابک: 978-600-247-058-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: عمران روستایی -- آسیای جنوب شرقی

موضوع: توسعه پایدار -- آسیای جنوب شرقی

موضوع: عمران روستایی -- هند

موضوع: عمران روستایی -- چین

موضوع: عمران روستایی -- مالزی

شناسه افزوده: بیدخوری، علیرضا، ۱۳۴۳-

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۰ ع ۹ / ۸۰ / HN

رده بندی دیویی: ۳۰۱ / ۱۴۱۲-۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۸۹۵۱۱



انتشارات سخن گستر

مشهد - خیابان ابن سینا - بین ابن سینا ۱۶ و پاستور - شماره ۱۷۴

تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵

www.Sokhangostar.com

info@Sokhangostar.com

نام کتاب: راهبردها و سیاست‌های توسعه پایدار روستایی در جنوب شرق آسیا
مؤلفان: مصطفی طالشی، علیرضا بیدخوری

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۰

چاپ: میثاق

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۰۵۸-۴

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۲۷	فصل اول: کشور شناسی و بررسی راهبردهای توسعه پایدار روستایی در هندوستان
۲۹	مقدمه
۳۰	۱-۱ شناخت ویژگیهای کلان اکولوژیکی واجتماعی اقتصادی
۳۰	۱-۱-۱ جغرافیای طبیعی و جمعیت
۴۱	۱-۱-۲ نوع حکومت و بنیادهای اساسی مدیریت سرزمین در هند
۴۳	۱-۲ استراتژی‌ها و خط مشی‌های توسعه کشور و نحوه و رویکرد توسعه پایدار محلی (روستایی)
۴۶	۱-۳ ارزیابی الگوی نظام برنامه‌ریزیهای میان مدت توسعه روستایی در هندوستان
۴۶	۱-۳-۱ تشریح ابعاد برنامه توسعه و بویژه توسعه روستایی در دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰
۵۱	۱-۳-۲ شناخت الگوی برنامه پنج ساله سوم توسعه هند (۱۹۶۶-۱۹۶۱)
۵۷	۱-۳-۳ ابعاد برنامه پنج ساله چهارم توسعه در هند (۱۹۷۴-۱۹۶۹)
۶۲	۱-۳-۴ تشریح برنامه پنج ساله پنجم توسعه در هند (۱۹۷۹-۱۹۷۴)
۶۵	۱-۳-۵ برنامه پنج ساله ششم توسعه در هند (۸۵-۱۹۸۰)
۶۸	۱-۳-۶ تحلیل برنامه پنج ساله هفتم توسعه در هند (۱۹۹۰-۱۹۸۵)
۷۶	۱-۳-۷ برنامه پنج ساله هشتم توسعه در هند (۱۹۹۷-۱۹۹۲)
۸۴	۱-۳-۸ برنامه نهم پنج ساله توسعه هند (۲۰۰۲-۱۹۹۷)
۹۵	۱-۳-۹ برنامه دهم پنج ساله توسعه در هند (۲۰۰۷-۲۰۰۲)
۱۰۱	فصل دوم: کشور شناسی و بررسی راهبردهای توسعه پایدار روستایی در چین
۱۰۳	مقدمه
۱۰۵	۲-۱ شناخت ویژگیهای کلان جغرافیای طبیعی و نظام تقسیمات سرزمینی
۱۱۲	۲-۲ نوع حکومت و سیستم اداره کشور
۱۱۴	۲-۳ مروری بر راهبردها، استراتژی توسعه و خط‌مشی اقتصادی کشور چین در ابعاد کلان و ملی
۱۱۹	۲-۳-۱ بخش دولتی

۱۱۹	۳-۴-۲ بخش تعاونی و روستایی
۱۲۰	۳-۳-۲ بخش خصوصی
۱۲۲	۳-۳-۴ اصلاحات تجارت و سرمایه گذاری
۱۲۴	۳-۳-۵ اصلاحات در واحدهای دولتی
۱۲۴	۳-۳-۶ اصلاحات نهادها
۱۲۷	۳-۴ استراتژی‌های توسعه، رویکرد و خط‌مشی چین در توسعه و برنامه‌ریزی محلی
۱۲۸	۳-۴-۱ اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در روستا
۱۳۰	۳-۴-۲ اصلاحات ارضی (۱۹۵۳-۱۹۴۹)
۱۳۰	۳-۴-۳ تعاونی‌های کشاورزی (۱۹۵۶-۱۹۵۳)
۱۳۱	۳-۴-۴ چشم‌برگ به جلو، کمون‌های کشاورزی (۱۹۶۱-۱۹۵۷)
۱۳۲	۳-۴-۵ کنترل زیان و آسیب (۱۹۶۵-۱۹۶۲)
۱۳۳	۳-۴-۶ انقلاب فرهنگی (۱۹۷۶-۱۹۶۶)
۱۳۳	۳-۵ مراحل انجام اصلاحات اقتصادی و توسعه روستایی در چین
۱۳۳	۳-۵-۱ مرحله اول اصلاحات اقتصادی و روستایی (کشاورزی خانوادگی ۱۹۸۴-۱۹۷۸)
۱۳۵	۳-۵-۲ مرحله دوم اصلاحات اقتصادی و روستایی (ازدسازی بازار و قیمت ۱۹۸۹-۱۹۸۵)
۱۳۵	۳-۵-۳ مرحله اصلاحات اخیر روستایی (بهبود ساختاری در وضعیت اقتصاد و معیشت ۱۹۹۰ تا کنون)
۱۴۰	۳-۶ سیستم‌های تولیدی در بخش کشاورزی و دستاوردهای آن
۱۴۳	۳-۷ ویژگیهای بنیادی و توسعه کشاورزی و روستایی چین به همراه طرحهای اجرایی آن

۱۶۳	فصل سوم: کشور شناسی و بررسی راهبردهای توسعه پایدار روستایی در مالزی
۱۶۵	مقدمه
۱۶۶	۳-۱ شناخت ویژگیهای کلان اکولوژیکی و اجتماعی - اقتصادی کشور مالزی
۱۶۶	۳-۱-۱ جغرافیای طبیعی و جمعیت
۱۷۲	۳-۱-۲ نوع حکومت و سیستم اداره کشور
۱۷۴	۳-۲ استراتژی‌های توسعه و خط‌مشی مالزی و رویکرد و برنامه‌ریزی محلی
۱۷۹	۳-۲-۱ ارزیابی سیاست‌های توسعه روستایی در قبل از استقلال مالزی
۱۸۳	۳-۲-۲ ارزیابی سیاستهای توسعه روستایی مالزی در دهه ۱۹۶۰ میلادی
۱۸۸	۳-۲-۳ ارزیابی سیاست‌های توسعه روستایی مالزی در دهه ۱۹۷۰ میلادی
۱۹۱	۳-۲-۴ ارزیابی و بررسی سیاست‌های توسعه روستایی مالزی در دهه ۱۹۸۰ میلادی
۲۰۲	۳-۲-۵ ارزیابی و سیاستهای توسعه روستایی در دهه ۱۹۹۰ میلادی
۲۰۷	۳-۲-۶ ارزیابی و سیاست‌های توسعه روستایی بعد از سال ۲۰۰۰
۲۰۹	۳-۳ برنامه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی
۲۰۹	۳-۳-۱ اصلاحات ارضی
۲۱۲	۳-۳-۲ توسعه یکپارچه روستایی: در سال ۱۹۷۱، سازمان خوار و بار ملل متحد (فانو)

- ۳-۳-۳- رویکرد صنعتی‌سازی روستایی: از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی..... ۲۱۳
- ۳-۳-۴- مراکز رشد روستایی: آخرین عنوان از راهبردها و سیاست‌های توسعه روستایی مالزی..... ۲۱۵
- ۳-۴- نگاهی به برنامه بلند مدت توسعه همه جانبه "دور نمای مالزی ۲۰۲۰"..... ۲۱۵

فصل چهارم: مطالعات تطبیقی دستیابی به توسعه پایدار روستایی در کشورهای جنوب شرق آسیا..... ۲۲۱

مقدمه..... ۲۲۳

- ۴-۱- تغییرات نظام اقتصادی کشورهای مورد مطالعه براساس شاخص ضریب جینی..... ۲۲۳
- ۴-۲- تولید ناخالص داخلی و میزان رشد آن..... ۲۲۹
- ۴-۳- درصد ضریب جینی برابری روستایی در کشورهای هند، چین و مالزی..... ۲۳۴
- ۴-۴- میزان کل تجارت شامل بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی..... ۲۳۶
- ۴-۵- میزان خالص سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای هند، چین و مالزی..... ۲۳۸
- ۴-۶- تعیین سرانه تولید کشاورزی، در کشورهای مورد مطالعه..... ۲۴۲
- ۴-۷- درصد عدم تمرکز و بخش خدمات در نواحی روستایی و حاشیه‌ای کشورهای مورد مطالعه..... ۲۴۶
- ۴-۸- میزان درصد تعادل سطح رفاهی زندگی روستا- شهری در کشورهای مورد مطالعه..... ۲۴۹
- ۴-۹- بررسی نمونه‌هایی از فعالیت‌ها و طرح‌های اجرایی در نواحی روستایی در کشورهای مورد مطالعه..... ۲۵۲
- ۴-۹-۱- بررسی نمونه‌هایی از طرح‌های انجام شده در نواحی روستایی کشور مالزی..... ۲۵۲
- ۴-۹-۲- طرح‌های توسعه روستایی در کشور چین (صنایع و بنگاه‌های روستایی و نقش آن در اقتصاد چین)..... ۲۵۹
- ۴-۹-۳- طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی در هند..... ۲۶۸
- ۴-۱۰- نتیجه‌گیری از مطالعات تطبیقی کشورهای جنوب شرق آسیا..... ۲۷۹
- ۴-۱۰-۱- هندوستان..... ۲۷۹
- ۴-۱۰-۲- چین..... ۲۸۷
- ۴-۱۰-۳- مالزی..... ۲۹۵

منابع..... ۳۰۳

بویژه بعد از انقلاب چین با ایجاد بهره‌برداریهای مزارع اشتراکی، کمون‌ها و مزارع دولتی شیوه خاصی از بهره‌برداری عمده را بوجود آورده است. بدین ترتیب این الگوی توسعه روستایی متکی بر نظارت دولتی است. کشور مالزی بعنوان سومین کشور مورد بررسی در راهبردهای توسعه روستایی در جنوب شرق آسیا مورد گزینش قرار می‌گیرد. این کشور علیرغم سابقه تاریخی کوتاه پس از استقلال اما با حفظ فرهنگ ملی-اسلامی خود اصلاحاتی را در نظام اقتصادی بوجود آورده است. این کشور با گزینش ایدئولوژی کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) پایه نوعی توسعه کاپیتالیسم، راهبرد کلان ملی تکنوکراتیک (فن‌گرایی) را برگزیده است.

این کشور راهبرد کلان ملی فن‌گرایی را از طریق توسعه اقتصادی (اقتصاد متکی بر بازار) توسعه اجتماعی (شه‌سازی و ایجاد سازمانهای غیر دولتی فعال) و توسعه سیاسی مورد هدف‌گذاری قرار داده است. در این ارتباط چگونگی اجرای برنامه‌های پنج‌ساله و ارزیابی این برنامه، تجربیات ذیقیمتی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب این کتاب در چهار فصل طرح‌ریزی شده است. ابتدا در مقدمه نگاهی به مبانی بنیادی توسعه و توسعه‌یابار با تشریح مضمون توسعه، مکاتب اساسی نگرشهای توسعه دریاب دیدگاههای رفورمیستی، کاپیتالیستی و کمونیستی را مورد توجه قرار می‌دهد و در ادامه ضمن تشریح مفاهیمی نظیر توسعه پایدار و توسعه پایدار روستایی ابعاد و رویکردهای متفاوت آنرا مورد بررسی قرار می‌دهد.

در فصل اول با تشریح خصوصیات اکولوژیکی و اجتماعی-اقتصادی کشور هندوستان، راهبردهای توسعه پایدار روستایی را از طریق نقد و ارزیابی برنامه‌های پنج ساله آن کشور از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷ مورد کنکاش قرار می‌دهد و در پی آن نقاط قوت و ضعف آنرا بیان می‌نماید.

در فصل دوم با تشریح ویژگیهای کشورشناسی چین، راهبردها و استراتژی توسعه و خطامشی اقتصادی آن کشور وارد ابعاد کلان ملی در بخش‌های سه‌گانه دولتی، تعاونی و خصوصی مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه رویکردهای دولتی در برنامه‌ریزی محلی را از سالهای ۱۹۴۹ زمان اصلاحات ارضی تا مراحل اصلاحات اقتصادی در دهه ۱۹۷۸ و سپس الگوهای اجرایی کشاورزی و روستایی را با ارزیابی برنامه‌های پنج ساله مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد.

فصل سوم راهبردهای توسعه پایدار روستایی را در کشور مالزی با شناخت سناسی اولیه از ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی آغاز می‌نماید. در ادامه چگونگی طرح‌ریزی استراتژیهای توسعه و خطامشی مالزی در قالب برنامه‌های پنج ساله از سال ۱۹۵۶ آغاز و تا ۲۰۰۵ تمامی این برنامه‌ها مورد تجزیه و تحلی قرار می‌دهد. یکی از ویژگیهای نظام برنامه‌ریزی اقتصادی-اجتماعی در این کشور، نهادینه سازی نظام توسعه پایدار روستایی در افق بلندمدت و میان مدت است. بطوریکه در این فصل خطوط کلی برنامه توسعه همه جانبه و دورنمای مالزی ۲۰۲۰ مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل چهارم به منظور بهره‌گیری راهبردی از تشریح ویژگیهای برنامه‌های در این سه کشور از الگوی مطالعات تطبیقی استفاده شده است. در این ارتباط با گزینش شاخص‌های اساسی توسعه و توسعه پایدار روستایی، بویژه شاخص‌های نظیر ضریب جینی تولید ناخالص داخلی، سرانه تولید کشاورزی، عدم تمرکز و

بخش خدمات، برخورداری از سطح رفاهی روستا- شهری مورد توجه قرار گرفته و چگونگی موفقیت و عدم موفقیت برگرفته از رویکردهای غالب توسعه منبعث از ایدئولوژی آنان مورد نظر علمی قرار می‌گیرد. در پایان این کتاب بنا دارد، پایه‌ریزی اولیه را برای ایجاد مطالعات تطبیقی در نظام‌های توسعه روستایی فراهم آورد تا در پی آن بومی سازی نظام توسعه پایدار روستایی در فضای سرزمین ایران با لحاظ و یزگیهای اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی با موفقیت بیشتری فراهم شود. مولفان این اثر با پذیرش کاستی‌های اولیه، امیدوارند که پژوهشگران گرامی با نقد و ارزیابی کتاب، آنان را در چاپ بعدی راهنمایی ارزنده باشند و پیشاپیش از بذل محبت کلیه همکاران دانشگاهی و کارشناسان اجرایی دستگاههای دولتی سپاسگزاری می‌شود.

در اینجا جا دارد از رانمایی‌های ارزشمندی که آقای دکتر حسین رحیمی به نویسندگان ارائه نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی داشته باشیم و نیز از جناب آقای محمدجلال شانه‌چی در اداره کل ارشاد خراسان رضوی تشکر نماییم و همچنین زحمات آقای منوچهر ایمانی مدیر انتشارات سخن گستر و کلیه همکارانشان در آن انتشارات که با صبر و حوصله و دقت کامل مقدمات چاپ این کتاب را فراهم آورده‌اند برای مولفین بسیار مغتنم و ارزشمند بوده است.

مصطفی طالشی - علیرضا بیدخوری

taleshi_mo@yahoo.com

alirezabidkhor@yahoo.com

توسعه را باید تغییر و تحول فراگیر، ظرفیت تاریخی و توان استفاده از ظرفیت دانست. در توسعه جامعه، باید تعامل منطقی بین ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نیز سایر ابعاد را لحاظ کرد. بانک جهانی^۱ در تعریف توسعه ابراز می‌دارد که توسعه، به معنای میزان‌های قابل اندازه‌گیری در شرایط و کیفیت زندگی مردم مناطق مختلف است. (بانک جهانی، ۱۹۹۱:۳). از این تعریف بانک جهانی میتوان چنین نتیجه گرفت که امروزه تلقی از توسعه، فرآیندی همه‌جانبه است و نه فقط توسعه اقتصادی. این فرآیند همه‌جانبه معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه است و آن را می‌توان نوعی طرح ملی دانست که شامل توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه امنیتی است.

مجموعه تلاش‌ها جهت تعریف همه‌جانبه از مفهوم توسعه منجر به شناسایی سه جزء اساسی در فرآیند توسعه شده است. بر این اساس برنامه توسعه ملل متحد سه شاخه بنیادی درخت توسعه را، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه انسانی دانسته است. به عبارت دیگر، هرگونه تلاشی در جهت بهبود کیفیت زندگی بایستی دربردارنده عوامل زیر باشد: تقویت ظرفیت بهره‌وری جامعه، ضمانت اجرایی جهت پایه‌ریزی و اجرای خدمات اجتماعی و رفاهی برای مردم و تسهیل فرصت‌هایی برای مردم در جهت ارتقا رشد فردی و نیز سهیم بودن حداکثری آنان در جامعه (LUNDI, 1995: 15).

در این ارتباط متفکران و اندیشمندان مختلفی مناسب‌با ذهنیات و شرایط بافت اجتماعی خود، مکتب‌های متفاوتی از توسعه را بوجود آورده‌اند که با توجه به نظرات بسیاری از پژوهشگران (یابلی، ۱۳۸۱: صص ۶۷-۷۳-۶۵ و ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۷) می‌توان مکاتب مختلف توسعه را در سه گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که در ادامه تشریح این مکاتب می‌پردازیم.

– مکتب تکاملی توسعه (دیدگاه رفورمیستی)

این مکتب از رایج‌ترین دیدگاه‌های حاکم بر علوم اجتماعی طی قرن نوزدهم و اوایل بیستم بوده است. پایه‌گذاران این طرز تفکر، بیشتر تحت تأثیر کشفیات و موفقیت‌هایی قرار داشتند که در پزشکی و علوم طبیعی بدست آمده بود.

منشا مکتب تکاملی در جامعه‌شناسی در تلاش‌های آن دسته از دانش پژوهان قرن‌های ۱۷ و ۱۸ نهفته است که پس از کشف جامعه‌های کمتر توسعه یافته در آمریکا و آفریقا و آسیا تفکرات تازه‌ای را در زمینه بعضی پرسش‌های ابهام‌آمیز آغاز کردند، پرسش‌هایی که بویژه به منشأ نوع انسان و به نخستین دوره‌های توسعه آن ارتباط می‌یافت (لنسکی، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

^۱. World Bank (WB)

هربرت اسپنسر که به عنوان پدر زیست شناسی و پدر خوانده جغرافیای نو مشهور است، اصول زیست شناسی را به علوم اجتماعی و جغرافیا وارد کرد. او مشابهتی را میان فرآیندهای طبیعی و اجتماعی مطرح ساخت. اسپنسر همه قوانین عمومی تکامل را در جوامع انسانی، بدیهی و صادق شناخت و کل پیشرفت جامعه انسانی را در عامل رقابت خلاصه و ارزیابی کرد (Peet, 1985: 313).

مشابهت حیات حیوانی و گیاهی با حیات انسانی که از طریق نظریه‌های داروین و اسپنسر مطرح شد، توجیه‌گر این موضوع بود که محیط‌های طبیعی مساعد و غنی قادرند جمعیت زیادی داشته باشند، تخصصی شدن و مهارت را افزایش دهد و اصلاح نمایند، تقسیم کار منطقی به عمل آورند، به وسعت زیادی دست یابند و در نهایت همواره مسلح باشند. این قبیل کشورها توانسته‌اند اساس یک فرهنگ متکامل را از اواخر قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰ پی‌ریزی کنند (کوی، ۱۳۸۲: ۸۴).

بنابراین، در چنین کشورها و مردمانی اصلاح و تغییر به سمت پیشرفت مترتب است که از آن به دیدگاه‌های رفورمیستی یا اصلاح‌گری یاد می‌شود. نظریه پردازان مکتب تکاملی به دو گروه تقسیم می‌شوند: تکامل‌گرایان فرهنگی اولیه (تکامل تک خطی) و نظریه پردازان تکامل فناوریانه (پاپلی، ۱۳۸۱: ۶۶).

در تکامل‌گرایی فرهنگی اولیه (تکامل تک خطی) صاحب نظران بسیاری مانند هربرت اسپنسر و نیز امیل دورکیم فرآیند تکامل اجتماعی را حرکت از سادگی به پیچیدگی و یا از وحدت به کثرت می‌دانند.

به نظر اسپنسر همان گونه که ذکر گردید، جامعه انسانی با گذشت زمان از توحش به تمدن و طی مراحل خاصی به وضعیت کنونی رسیده است و به طور کلی جوامع انسانی دارای روحیه ستیزه جویی و جنگ طلبی هستند و تنها از طریق تفوق صنعت، روحیه آرامش بر جامعه حکم فرما خواهد شد.

در تکامل فناوریانه نیز که منشا آن نظرات هنری مورگان بوده است، وی جوامع بشری را به سه مرحله یا سطح طبقه بندی کرد: توحش، بربریت و تمدن. وی مراحل مورد نظر خود را با سطح پیچیدگی فناوریانه آنها مشخص نمود که هر یک از این سطوح با الگوها یا نهادهای خاص فرهنگی، مانند نوع خاصی از ساختار خویشاوندی یا نوع ویژه‌ای از نظام‌های حقوقی همراه است (بتیس، ۱۳۷۵: ۶۶).

- نظریه‌های نو سازی^۱ در توسعه (دیدگاه کاپیتالستی)

نظریه پردازان نوسازی، بر طبق یک سنت جامعه شناختی به یک تقسیم‌بندی دو گانه از جوامع، یعنی جوامع سنتی^۲ در مقابل جوامع پیشرفته (مدرن) پرداخته‌اند، به طوری که در یک سو جامعه سنتی (یعنی نقطه‌ای که توسعه نیافتگی از آن شروع میشود) و در سوی دیگر جامعه پیشرفته نوین (مثل جوامع دموکراتیک غربی) قرار دارند.

^۱ . Modernization

^۲ . Traditional

فرض بر این است که تمام جوامع از یک مرحله شبیه به هم که همان وضعیت سنتی است آغاز کرده‌اند و جوامع غیر مدرن (توسعه نیافته) بالاخره تمام دگرگونی‌هایی را که روزگاری در غرب اتفاق افتاده طی خواهند نمود و در نهایت به صورت جوامع پیشرفته و نوین (مدرن) در خواهند آمد. البته این عمل تنها از طریق گسترش و نشر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غربی میسر خواهد شد. نظریه پردازان نوسازی براساس تجربه غرب به سه مساله "ارزشهای انسانی"، "سرمایه" و "روحیه کارآفرینی" تاکید ورزیده‌اند.

از جمله مهم‌ترین نظریه پردازان مکتب نوسازی رد فیلد^۱ است که جوامع در حال دگرگونی را به دو دسته قومی (یعنی کوچک، منزوی، بدون سواد، رفتار سنتی، شخصی) و شهری (قطب مقابل جامعه قومی) تقسیم میکند. رد فیلد معتقد است جامعه قومی در طی یک فرآیند و جریان عمومی از طریق ادغام در ساخت‌های بزرگتری از نوع شهر، تغییر یافته و دگرگون می‌شود.

دیگر نظریه‌پرداز نوسازی پل اسملسر^۲ است، وی نظر خود را بر اساس تفکیک کارکردی عناصر سازنده جامعه استوار نموده است. وی معتقد بود در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به‌طور کامل صورت گرفته، ولی جامعه توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی است، اسملسر همچنین معتقد بود که وضعیت تخصصی شدن، در زمینه‌هایی همچون اقتصاد خانواده، نظام سیاسی و نهادهای مذهبی به وجود می‌آید.

از دیگر نظریه پردازان نوسازی روستا است وی بر مبنای بررسی تجربه صنعتی شدن انگلستان "بر زنجیره‌ای از مراحل توسعه" تاکید می‌ورزد که باعث گذار از جامعه سنتی به مدرن می‌گردد.

مراحل پنجگانه توسعه روستو عبارتند از:

۱- جامعه سنتی

۲- شرایط قیل از خیز اقتصادی

۳- مرحله خیز اقتصادی

۴- مرحله بلوغ

۵- مرحله مصرف توده وار

بنابراین چنین استنباط می‌شود که الفبای فن گرایی و اقتصاد متکی بر بازار از این مکتب سرچشمه گرفته و در قرن بیستم به مباحث سرمایه داری (کاپیتالیستی) در جوامع در حال پیشرفت منجر شده است.

- نظریه‌های مارکسیستی در توسعه (دیدگاه کمونیستی)

به طور کلی می‌توان گفت ورود دیدگاه‌های مارکسیستی به امر توسعه و مباحث جغرافیایی توسط جغرافی دانان رادیکال انجام گرفته است.

^۱ . Red Field

^۲ . Smelser

عده‌ای از جغرافی دانان رادیکال با به کارگیری نظریه‌های مارکس، جغرافیای مارکسیستی را بنیان نهادند و عده‌ای دیگر با انتقاد از مارکسیسم جزمی (یعنی پیروی محض از نظریات مارکس)، آن را انحراف از مرام سوسیالیستی واقعی خواندند. این عده به عنوان نو مارکسیست‌ها^۱، نه تنها سرمایه‌داری کشورهای توسعه یافته، بلکه مارکسیست‌هایی را که سرمایه داری دولتی را جانشین سرمایه‌داری آزاد کرده بودند مورد انتقاد قرار دادند (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

برای مارکسیست‌ها، نقش بورژوازی در مرحله گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری (در کشورهای جهان سوم) موضوع اصلی به شمار می‌رود.

از دیدگاه مارکسیست‌ها، سرمایه‌داری به وجود آورنده نابرابری‌های فضایی، اقتصادی و سیاسی است، از اینرو در جغرافیای رادیکال، همه مسائل مربوط به شرایط اقتصادی و محیط زندگی، در ارتباط با این توسعه نابرابر ساز تبیین می‌شود. به نظر آنان در زمان ما، جامعه مدرن خصلتی دو گانه دارد، در یک سو دستاوردهای مادی، علمی و رفاهی و در سوی دیگر تسلط روابط غیر انسانی و نابرابری‌های شدید اجتماعی - اقتصادی قرار می‌گیرد و جغرافیای رادیکال و دیدگاه مارکسیستی از توسعه در مسیر گشودن راهی است که در آن با ایجاد شکل نو از زندگی، مردم بتوانند تاریخ و جغرافیای خودشان را بسازند (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۹۸). راهبرد رادیکالی وایدنولویز منعت از آن یعنی کمونیسم که در بسیاری از نقاط جهان در قرن بیستم بوجود آمد ناشی از این نوع از بینش بود.

- راهبردهای کلان توسعه

هاروی (۲۰۰۱-۱۳۸۰) در زمینه راهبردهای کلان توسعه سه جنبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را مورد بررسی قرار داده و اذعان می‌دارد که توسعه بر سه مفهوم فوق به عنوان ستونهای اصلی بنا نهاده شده است (Harvy, 2001: 21). پاپلی یزدی (۱۳۸۰) نیز ابعاد توسعه را سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ذکر می‌کند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۰: ۳۸)، که شباهت‌های زیادی با نگاه هاروی به ابعاد کلان توسعه دارد، با این تفاوت که هاروی به توسعه اجتماعی بها می‌دهد و پاپلی یزدی به جای آن توسعه فرهنگی را قرار داده است. بنابراین با توجه به نظرات مطرح شده در این زمینه، نگارنده پژوهش ابعاد کلان توسعه را در سه گروه به شرح زیر تقسیم‌بندی نموده است:

الف) توسعه سیاسی ب) توسعه فرهنگی - اجتماعی ج) توسعه اقتصادی

نکته مسلم این است که توسعه در صورتی می‌تواند به اهداف عالیه خود دست یابد که ابعاد مختلف آن یا به پای یکدیگر پیش رفته و ارتقاء یابند و به عبارتی تمام این ابعاد لازم و ملزوم هم محسوب شده و بدون پیش روی موازی آنها، مفهوم توسعه به تکوین و تکامل نخواهد رسید.

^۱ . New Marxism

در همین ارتباط به منظور تشریح چگونگی ارتباطات میان ایدئولوژی و راهبردهای کلان توسعه جدول ذیل تهیه و تنظیم شده است. از اینرو تلاش شده است برای هر کدام از این ایدئولوژی‌ها، انواع راهبردهای کلان توسعه به کار رفته، آورده شود و مصادیق آن نیز در کشورهای مختلف ذکر شود.

جدول شماره: الگوهای کلان توسعه به تفکیک ایدئولوژی‌ها و راهبردهای اقتصادی-اجتماعی

کشورهای مختلف

نام ایدئولوژی مشتق شده از انواع کلان توسعه	راهبرد کلان ملی	کشورهای نمونه از بین کشورهای در حال توسعه	تشریح انواع راهبردهای کلان توسعه بکار رفته در این ایدئولوژی به ترتیب اهمیت
کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) ↓ توسعه کاپیتالیستی	تکنوکراتیک (فن‌گرایی)	مالزی، اندونزی، فیلیپین	۱- توسعه اقتصادی (اقتصاد متکی بر بازار) ۲- توسعه اجتماعی (ایجاد اشتغال در صنایع روستایی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی) ۳- توسعه سیاسی (عدم مداخله دولت در اقتصاد)
ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) ↓ توسعه اصلاح‌گراانه	رفورمیست (اصلاح طلبی)	هند، بنگلادش	۱- توسعه اجتماعی-فرهنگی (رفع تبعیض و فقر، توزیع مجدد درآمد، ایجاد سازمانهای مردم نهاد و غیردولتی، معاونی‌ها) ۲- توسعه سیاسی (مداخله دولت در اقتصاد و هدایت دولتی بر اساس اهداف (احزاب) حاکم) ۳- توسعه اقتصادی (تأمین به اقتصاد آزاد-ایجاد سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی)
سوسیالیسم (جامعه‌گرایی) ↓ توسعه رادیکالی	رادیکال (تغییرات ریشه‌ای)	چین، تانزانیا	۱- توسعه سیاسی (تغییر ریشه‌ای سیاسی برای رسیدن به موفقیت، دولت ناظر و مالک بر همه چیز است) ۲- توسعه اجتماعی-فرهنگی (ایجاد و ارتقاء فرهنگ سوسیالیستی با تکیه بر جامعه‌گرایی و حذف نمونه فرهنگ غربی) ۳- توسعه اقتصادی (مزارع دولتی و اشتراکی، سرمایه‌گذاری تنها خارجی)

- ایدئولوژی‌های تأثیرگذار منبعث از راهبردهای کلان توسعه

راهبردهای کلان توسعه به طور کلی متأثر از سه ایدئولوژی عمده است. این ایدئولوژی‌ها عبارتند از کاپیتالیستی، رفورمیستی و کمونیستی. در این ارتباط این سه ایدئولوژی تحت عناوین جغرافیای کاپیتالیستی و توسعه، جغرافیای رفورمیستی و توسعه و در نهایت جغرافیای رادیکال و توسعه قابل بررسی است.

- جغرافیای کاپیتالیستی (سرمایه داری) و توسعه

در پاره‌ای از ادبیات موجود، توسعه کاپیتالیستی یا سرمایه‌داری نیز یاد می‌شود. در سالهای اخیر مباحث کاپیتالیستی، توسعه کاپیتالیستی و فعالیت‌های اقتصادی متکی بر بازار آزاد در سراسر جهان طرفداران بسیاری پیدا نموده و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیاری آن را مبنای ایدئولوژی و برنامه ریزی‌های توسعه‌ای، اقتصادی و اجتماعی خود قرار داده‌اند.

در ایدئولوژی کاپیتالیستی "انباشت سرمایه" امری بدیهی و الزامی است و شرایط اقتصادی در داخل سلسله مراتب فضایی به صورت کلیلاً تخصصی قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی است که سرمایه می‌تواند به طرق و روش‌های متفاوت، نیروی کار، جریانی کار و تولید را اداره نماید و به همین دلیل یکی از راهبردهای اصلی در ایدئولوژی کاپیتالیستی، تکنوکراتیک یا فن‌گرایی می‌باشد. ایدئولوژی کاپیتالیستی، بر اساس انعطاف‌پذیری فن‌آوری و شیوه‌های تولید آن، سازمان تولید و بازارهای کار را هدایت نموده و باعث ارتقاء آنها می‌شود (Blunt et al, 2000: 11-12).

به همین دلیل است که در مباحث جغرافیای توسعه مبتنی بر ایدئولوژی کاپیتالیستی، رویکرد به اقتصاد آزاد متکی بر بازار تنها راه توسعه اجتماعی-اقتصادی محسوب می‌شود که در این میان مناطق روستایی و حاشیه‌ای نیز از این قانون مستثنی نبوده و تنها راه فرار از فقر، بیکاری و محرومیت در نقاط روستایی، روی آوردن به ایدئولوژی کاپیتالیست و رویکرد فن‌گرانه و اقتصادی متکی بر بازار قلمداد گردیده است. بنابراین توسعه روستایی متکی بر نظام کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) از نگاه طرفداران آن تنها راه‌هایی از سنت‌های اقتصادی-اجتماعی و همگامی و ارتقاء در راستای نظام متکی بر بازار فرض می‌شود.

- جغرافیای اصلاح‌گرانه (رفورمیستی) و توسعه

راهبرد اصلاح‌گرانه توسعه یا توسعه اصلاح‌گرانه، یکی دیگر از مباحث مطروحه در این پژوهش است. به طور کلی بر اساس عقاید نظریه پردازان آن، مبنای توسعه انسانی و تعاون باعث ایجاد بسیاری از تشکلهای غیر دولتی و مردمی شده و از این طریق توسعه فراهم می‌شود. در برخی از متون جامعه‌شناسی و بعضاً جغرافیایی از این نوع راهبردهای رفورمیستی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی به "آنارشسیسم اجتماعی" یاد می‌شود (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۳۹).

البته باید توجه داشت که لفظ آنارشسیسم در جغرافیای آنارشستی و ایدئولوژی اصلاح‌گرانه به معنای هرج و مرج طلبی نمی‌باشد، بلکه از دید صاحب نظران این مکتب به معنی تأکید بر تعاون و مشارکت انسانی بوده

است، اما پیروان توسعه رادیکالی و سوسیالیستی آنرا به هرج و مرج طلبی (آنارشیمی) تعبیر نموده‌اند (Pepper, 1993:192).

در نظریات جغرافیای توسعه اصلاح گرانه به کارگاه‌های کوچک اهمیت داده می‌شود و اصول کارهای مشارکتی بین مردم فقیر بسیار مورد اهمیت و تشویق است. به عنوان مثال در زمینه روستایی، گاندی برگشت به نظام اقتصادی روستا را توصیه می‌نمود و در این راستا طرح "رفاه برای همه" را ارائه نمود، در طرح رفاه برای همه گاندی عقیده داشت که نظام اقتصادی روستا بهترین نظام اقتصادی است که می‌توان در جوامع پیاده نمود. در این نظام روستایی، تأکید بر تعاون و روستاییان در مشارکت‌های اقتصادی و کشاورزی بود تا از این طریق بتوانند به توسعه و ارتقاء سطح زندگی دست یابند. این نظریات تا بدانجا در برخی کشورها بویژه هند پیش رفته بود که در زمانی گاندی طرح مبادله کالا با نخ به جای پول در روستاها و یا مبادله کالا با کالا را جهت روستاییان فقیر پیشنهاد نمود (رائو، ۱۳۶۸:۶۵).

گاندی خود را آنارشویست به شیوه خودش معرفی می‌نمود و جامعه نامتمرکز مبتنی بر کمون‌های روستایی خود مختار و از پاره‌های جهان مبتنی بر سنت‌های جامعه اشتراکی هند را پدید آورد (وودکاک، ۱۳۶۸:۶۵۹).

- جغرافیای رادیکالی و توسعه (توسعه رادیکالی)

آنچه بیش از هر چیز در زمینه راهبرد رادیکالی توسعه خود نمایی می‌نماید، مخالفت رادیکالیست‌ها با سرمایه داری است، چرا که مارکس در این باره می‌گوید: سرمایه داری باعث می‌شود همه ارزش‌ها به صورت کالا درآمد و برچسب قیمت روی آنها چسبانده شود (Hunt et al., 2000:46). در واقع قانون توجهات توسعه رادیکالی که مرام سوسیالیستی نشأت گرفته از آن می‌باشد، تضاد میان مرکز و پیرامون می‌باشد، به این معنی که کشورهای سرمایه داری توسعه یافته (مرکز) به شکل‌های مختلف مازاد اقتصادی کشورهای پیرامونی (توسعه نیافته) را به دست می‌آورند و روز به روز سطح اجتماعی و اقتصادی خود را بالا می‌برند. در مقابل کشورهای کمتر توسعه یافته، به سرعت توان اقتصادی خود را از دست می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۲:۱۹۴).

بنابراین از دید بسیاری از جغرافیدانان تنها روشی که می‌تواند منجر به نوعی عدالت اجتماعی و خیر همگانی شود ایدئولوژی و مرام سوسیالیستی است که نوعی جامعه گرایی بوده و جامعه را متعلق به اتحاد آن با شرایط یکسان و مساوی فرض نموده و طبقه بندی ساختاری لایه‌های اقتصادی (مشابه با آنچه در کشورهای کاپیتالیست و تا حدودی رفورمیست در جریان است) اجتماع را مردود می‌شمارد. به همین دلیل است که عنوان "مارکسیسم ساختاری" برای مقابله با کاپیتالیسم کشورهای توسعه یافته در مباحث توسعه مطرح

گردید و آنرا تنها راه بیرون آمدن از تارهای "امپریالیسم پیشگام سرمایه داری" (اشاره به راهبردهای کاپیتالیستی) می دانستند. (Massey, 1997:401).

۱- توسعه پایدار

تعریف پایدار و با دوام^۲ بودن در مورد توسعه چندان آسان نیست، ولی مستلزم رعایت تعادل، هم در جامعه کنونی و هم در طی زمان های آینده می باشد. پایدار و با دوام بودن یک توسعه و پیشرفت هدفی نیست که بتوان به آن نایل گردید، بلکه یک فرآیند پویاست که هم رعایت تعادل بین قسمت های مختلف جامعه و هم چنین بین جامعه و طبیعت را ایجاب می کند و هم به امکان حفظ این تعادل در آینده نظر دارد. مفهوم توسعه پایدار نمایانگر یک موضوع اخلاقی از عدالت و همبستگی بین افراد یک نسل و بین نسل های مختلف است. این دید اخلاقی رفتار کنونی را که یک بار را بر دوش نسل آینده انداخته و یا امکانات را برای نسل آینده تقلیل می دهد محکوم می نماید. به این ترتیب این موضوع یک بینش دراز مدت و یک دیدگاه وسیع و یکپارچه از تمامی نظام های انسانی و طبیعی ارائه می دهد.

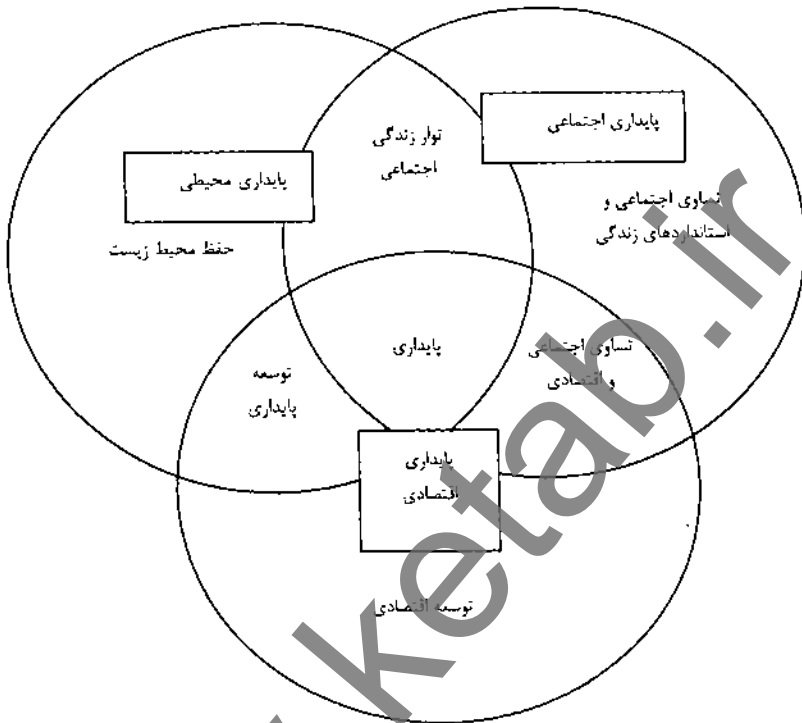
توسعه پایدار به معنی آرایه راه حل هایی در مقابل الگوهای فانی اکولوژیکی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می باشد که بتواند از بروز مسائلی همچون نابود منابع طبیعی، تخریب سامانه های زیستی، آلودگی جهانی، تغییر اقلیم، افزایش بی رویه جمعیت، بی عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان های حال و آینده جلوگیری کند. بنابر این توسعه پایدار تحولی است مواجه با تامین نیازهای امروزی بدون از بین بردن قابلیت های نسل آینده در تامین نیازهایشان. در واقع یک تحول زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصت ها است. این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی، اقتصاد و امنیت اجتماعی است و پیشرفت های اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان دراز مدت حفظ پایه های طبیعی است.

براین اساس در تصویر ذیل، انواع پایداری توسعه جهت نیل به رفاه و آسایش نشان داده شده است. این روتوسعه پایدار دارای ابعاد مختلفی فرض شده که عبارتند از: بعد محیطی (اکولوژیکی)، بعد اجتماعی و بعد اقتصادی. البته در برخی از متون، توسعه پایدار صندلی چهارپایه ای محسوب می شود که پایه یا بعد چهارم آن بعد کالبدی - فضایی است و در تصویر شماره ۱ این بعد چهارم در داخل بعد اجتماعی به عنوان بستر مورد نیاز برای توسعه کالبدی و فضایی مفروض است. یکی از جنبه های مورد توجه در این تصویر این است که ابعاد توسعه را در یکدیگر فرض می نماید و روی مشارکت ابعاد مختلف توسعه جهت دستیابی به پایداری تاکید دارد.

^۱ . Sustainable Development

^۲ . در بعضی از متون توسعه بادوام (Durable Development) نیز مشاهده گردید و معادل با (sustainable Development) به معنی آن نوع توسعه ای است که موجب انهدام منابع تجدید ناپذیر طبیعت و آلودگی محیط زیست و محرومیت نسل های آینده از منابع طبیعی مورد نیازش نگردد.

تصویر ۱: انواع پایداری برای تامین آسایش و رفاه



Source: www.test.org

کمیسیون "توسعه و محیط" توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌داند که نیازهای زمان حال را با رعایت حقوق و توانایی‌های نسل آینده برای مواجهه شدن با نیازهای آن برهه زمانی برطرف می‌سازد (WCED، ۱۹۸۷: ۴۳). در این تعریف کلمه توسعه دارای مفهوم گسترده‌ای است و نمی‌تواند به یک محدوده خاص محدود شود، چرا که درباره همه چیز و همه کس در این دنیا و هم در زمان حال و هم در آینده صدق می‌کند، ضمن اینکه هدف توسعه تداوم توسعه می‌باشد. دو عنصر اساسی که باید در این تعریف به آنها دقت نمود و توسعه منطقه ای و جهانی باشد بر اساس امکان نسبی این دو عنصر، بنا به شرایط مکانی و زمانی مورد اهتمام قرار گیرند مفاهیم نیازها^۱ و محدودیت‌ها^۲ می‌باشند.

^۱ . World Commission on Environment and Development (WCED)

^۲ . Needs

^۳ . Limitation

مفهوم نیازها عبارت است از شروطی که برای برقرار کردن یک استاندارد قابل قبول زندگی برای مردم جریان پیدا می کند و شامل نیازهای اولیه مثل غذا، پوشاک، مسکن و شغل است و در مرحله دوم نشانگر این است که هر فرد در هر نقطه دنیا باید مجال بالا بردن سطح زندگی خود را داشته باشد. همچنین مفهوم محدودیت ها، محدودیت های ظرفیتی محیط برای برطرف کردن نیازهای حال و آینده می باشد که شامل محدودیت های طبیعی منابع محدود و نیز روند رو به کاهش بازدهی ناشی از بهره برداری بیش از اندازه از منابع، آب و کم شدن تنوع زیستی برای آینده مشترک ماست (RedClift, 1993: 26).

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می رسد که تعاریف متعددی از توسعه وجود دارد که ناشی از فعالیت های مختلف توسعه پایدار، سیاست گذاری های متفاوت، سلاقی گوناگون و نگاه متفاوت به آن چیزی است که پایداری تعریف می شود (RedClift, 1993: 29). به عنوان مثال در بعضی از نظرات، تاکید بر نیاز به نگرش یک پارچه به مفهوم طبیعت در اکوسیستم است و همواره اعتقاد بر تشویق و پشتیبانی از محصولاتی دارد که تخریب منابع را کاهش می دهد (Binswanger 2000: 23)، و یا در بعضی دیگر نگاه به پایداری، جستجو برای گزینه ای در پارادایم توسعه است که بتواند نوش داروی ساختارهای اجتماعی-اقتصادی باشد و از استفاده بی حد و حصر طبیعت که در واقع باعث تخریب اکولوژیکی و فقر می باشد، جلوگیری نماید. (Shiva, 1991: 15, RedClift, 1993: 80).

بنابراین، بطور خلاصه به منظور دستیابی به توسعه پایدار راهبردها و اصول چهارگانه زیر باید رعایت شوند:

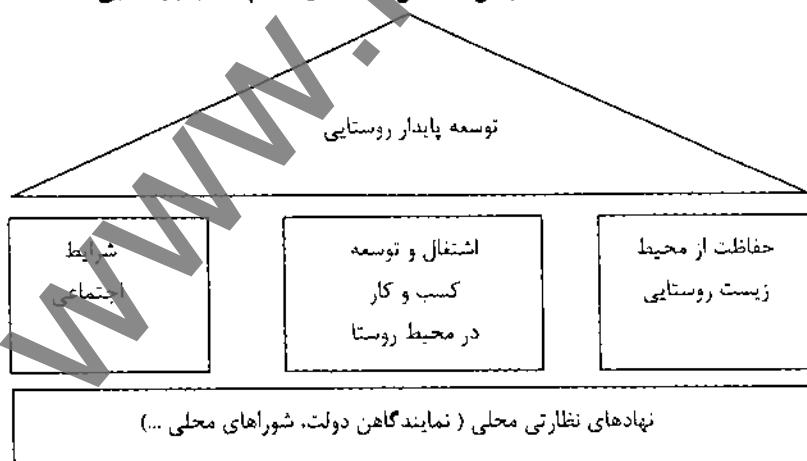
- ۱) به کار گیری و پایدار ساختن مصرف منابع تجدید پذیر،
 - ۲) بهینه سازی و ممیزی استفاده از منابع تجدید ناپذیر و به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی به تناسبی که کمتر از آنچه رشد طبیعی آنهاست،
 - ۳) حداقل تولید ضایعات و آلودگی ها که قابل جذب در مقیاس و ظرفیت محیط محلی تا جهانی باشد،
 - ۴) تامین نیازهای پایه ای انسان و اجتماع، و ایجاد محیطی سالم برای نسل های آینده.
 - ۵) توسعه پایدار روستایی^۱
- توسعه پایدار روستایی یکی از اهداف اساسی سیاست گذاری های کلان در همه کشورها و بخصوص در ایران (و کشورهای در حال توسعه) است. چرا که توسعه پایدار یک مفهوم کلی و در ارتباط با ابعاد مختلف زندگی روستاییان و همچنین روابط این ابعاد با محیط پیرامون می باشد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).
- در برخی دیگر از نظرات درباره توسعه پایدار روستایی به چند بعدی و پیچیده بودن امر توسعه که با خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت به کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد توجه گردیده است.

^۱. Rural Sustainable Development

توسعه پایدار روستایی عبارت از وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی است، در توسعه پایدار روستایی توجه به عوامل زیست محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد (ازکیا، ۱۳۸۴: ۲۷). می‌توان گفت اکثر برنامه‌های توسعه‌ای در روستاها برای مردم و بهرمندی مردم انجام می‌گردد به گونه‌ای که کانون توسعه مردم می‌باشند، پس توسعه با مردم و برای مردم است. با توجه به ابعاد توسعه پایدار روستایی نقش مردم در فرآیند پایدار تغییرات ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی بسیار بالاست، چه اگر مردم به باور تغییر در این ابعاد دست یابند و در جهت استفاده از این تغییرات در جهت رفاه و افزایش بهرمندی خود استفاده نمایند می‌توان به این توسعه پایدار امیدوار بود. بطور مثال اگر مردم به مساله حفظ محیط زیست اهمیت نداده و در جهت آلودگی آب و خاک و تخریب محیط زیست عمل نمایند دیگر نمی‌توان از توسعه پایدار روستایی سخن گفت.

هدف اصلی توسعه پایدار، تعیین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده ای امن تر و سعادتمندانه تر است، جان بری (۱۳۸۰) در این زمینه معتقد است: "آنچه امروزه در مورد توسعه در مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آن که توانهای محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد" (بری، ۱۳۸۰، ۲۸۲).

تصویر شماره ۲: عوامل تشکیل دهنده توسعه پایدار روستایی



Source: International land Coalition, 2006:

نکته قابل توجه در سه عنصر عنصر اساسی لازم در توسعه پایدار روستایی یعنی حفاظت از محیط زیست روستایی، اشتغال و توسعه کسب و کار در محیط روستا و شرایط اجتماعی، عامل نهادهای نظارتی دولتی می‌باشد که نمایندگان دولتی (نظیر دهیاران و کارمندان دولتی مستقر در روستا) وظیفه نظارت و گزارش

عملکرد چگونگی توسعه پایدار مسئولان دولتی را برعهده داشته و بر اساس این گزارش ها طرح ها و بودجه لازم به مکان های روستایی اختصاص می یابد.

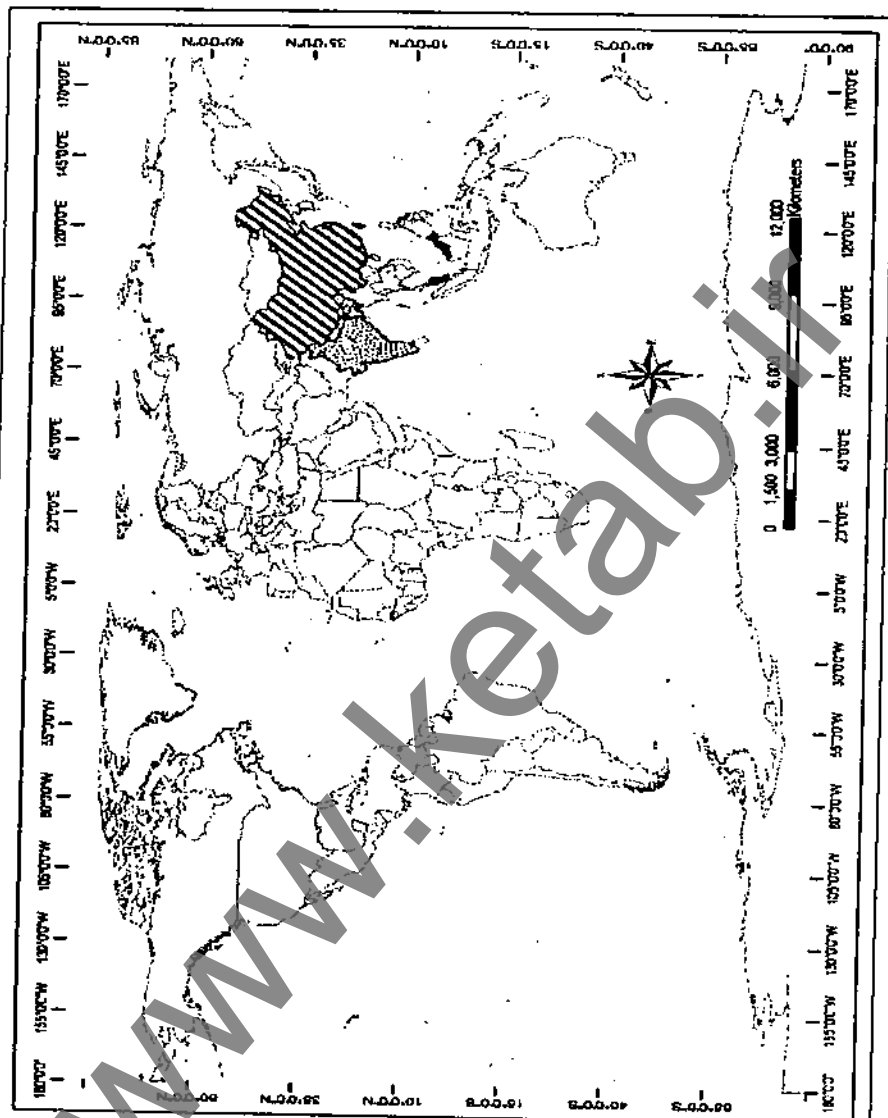
- شاخص های ارزیابی در توسعه پایدار روستایی در جنوب شرق آسیا

در سنجش تطبیقی سیاست ها و راهبردهای توسعه پایدار روستایی در این کتاب بروی برخی از شاخص های اقتصادی و اجتماعی جهت انجام مقایسات تاکید شده است که این شاخص ها جهت داشتن روایی لازم با استفاده از ویژگی های شاخص ها و تعیین میزان اهمیت آنها طبقه بندی شده و جهت ارزیابی انتخاب گردیده اند و سپس در زمان ارزیابی بر حسب مورد از آنها استفاده شده و حتی در پاره ای از موارد یکدیگر ادغام گردیده اند تا بتوان وسیله آنها ارزیابی های جامع و مانع اقتصادی و اجتماعی مرتبط با توسعه و بویژه توسعه پایدار روستایی انجام شود.

- ۱) شاخص اقتصادی تغییرات نظام اقتصادی کشورهای مورد مطالعه بر حسب ضریب جینی
 - ۲) شاخص اجتماعی برابری بین منطقه ای خانواده های روستایی در کشورهای مورد مطالعه
 - ۳) شاخص اقتصادی- اجتماعی میزان برابری درآمد روستا- شهری درون منطقه ای بین موارد مطالعه
 - ۴) شاخص اقتصادی- اجتماعی تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد در بین کشورهای مورد مطالعه
 - ۵) شاخص اقتصادی درصد میزان کل داد و ستدها بخش کشاورزی (تولید ناخالص داخلی (جی، دی، پی))
 - ۶) شاخص اجتماعی عدم تمرکز و پخش خدمات در نواحی روستایی
 - ۷) شاخص اجتماعی درصد برابری رفاه زندگی روستا- شهری
 - ۸) شاخص اقتصادی سهم خالص بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (جی، دی، پی)
 - ۹) شاخص اقتصادی- اجتماعی سرانه تولید کشاورزی
- بنابراین شاخص های ارزیابی توسعه پایدار روستایی بر اساس رویکردهای نظام توسعه ای در سه کشور چین، هندوستان و مالزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

جدول: نام و شرح شاخص‌های ارزیابی توسعه پایدار روستایی

ردیف	نام شاخص	نوع شاخص	شرح شاخص
۱	تغییرات نظام اقتصادی کشورهای مورد مطالعه برحسب ضریب جینی	اقتصادی	تغییرات نظام اقتصادی کشورها در طول سالیان گذشته
۲	برابری بین منطقه ای خانواده های روستایی	اجتماعی	جهت مقایسه بین کشورها با استفاده از مصرف سرانه خانواده‌های روستایی بکار می‌رود
۳	میزان برابری درآمد روستا-شهری درون منطقه ای	اجتماعی	مقایسه میزان درآمدهای روستاییان با شهرتشیان
۴	تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد	اقتصادی- اجتماعی	مقایسات کلان بین کشورها و تعیین میزان توسعه یافتگی
۵	درصد میزان کلی داد و ستدها تسلی بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (جی دی پی)	اقتصادی	مشخص نمودن میزان فعالیت های کشاورزی و صنایع جانبی و نقش آن در مبادلات اقتصادی
۶	عدم تمرکز و بخش خدمات در نقاط روستایی	اجتماعی	اندازه گیری میزان توسعه پایدار روستایی با استفاده از مقدار بخش خدمات سیاسی - اجتماعی در تمام نقاط کشور
۷	درصد برابری زندگی روستا-شهری	اجتماعی	تعیین میزان اهمیت به نقاط روستایی و توسعه آنها
۸	سهم خالص بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (جی دی پی)	اقتصادی	تعیین کننده رونق و توسعه بخش کشاورزی
۹	سرانه تولید کشاورزی	اقتصادی- اجتماعی	تعیین میزان وابستگی خانواده‌های روستایی به کشاورزی جهت امرار معاش



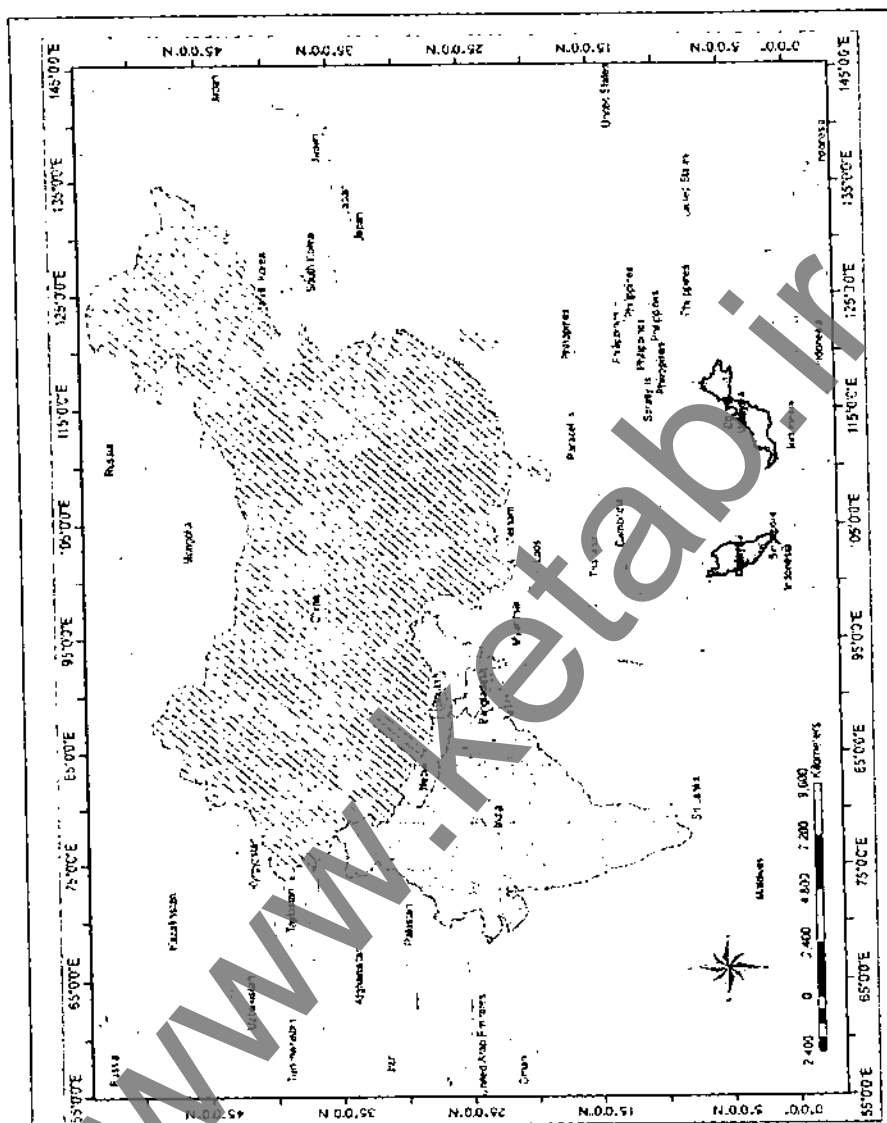
راهبردها و سیاستهای توسعه
روستایی در جنوب و جنوب
شرقی آسیا مطالعه موردی
هند، چین، و مالزی.

موقعیت کشورهای مورد
مطالعه در جهان

مرز بین السلی
چین
هند
مالزی

مولفین: دکتر مصطفی طالبی و
مهندس علیرضا بیدخوری

ماخذ: Arc/GIS



راهبردها و سیاست‌های توسعه
روستایی در جنوب و جنوب
شرقی آسیا مطالعه موردی
هند، چین، و مالزی.

موقعیت کشورهای مورد مطالعه
در آسیا

مرز بین‌المللی
چین
هند
مالزی

مولفین: دکتر مصطفی خالقی و
مهندس علیرضا بیدخوری

ماخذ: Arc/GIS